



گفت‌وگوی «جوان» با فرزند شهید مولوی عبدالواحد ریگی امام جمعه خاش که به دست تروریست‌ها به شهادت رسید

پدرم می‌خواست صدای مردم باشد

صغری خیل فرهنگی

آذر ماه سال ۱۴۰۱ بود که مولوی عبدالواحد ریگی، امام جمعه اهل سنت مسجد امام حسین(ع) شهرستان خاش، بعد از سخنرانی‌اش در مسجد توسط افراد ناشناس از محل در پشتی مسجد امام حسین (ع) خاش ربوده و یک روز بعد یعنی در تاریخ ۱۸ آذر ۱۴۰۱ به شهادت رسید و پیکرش در یکی از جاده‌های فرعی شهرستان خاش در حالی که سه گلوله به ایشان شلیک و از ناحیه سر خارج شده بود، کشف شد. مولوی عبدالواحد ریگی از جمله علمایی بود که سابقه حضور مداوم در جبهه‌های جنگ داشت و سالانه در جبهه‌ها حضور داشت. ایشان هشت سال در جبهه و جنگ فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی داشت. او همچنین یکی از فعالان وحدت شیعیان و اهل سنت در منطقه بود و عمده فعالیت‌های ایشان معطوف به کارهای فرهنگی در این زمینه بود. مولوی عبدالواحد ریگی بارها از سوی گروهک‌های تروریستی تهدید به مرگ شد اما بر مواضع خود استوار ماند و قدمی عقب نکشید. برای آشنایی با این شهید بزرگوار با فرزندش کفایت الله ریگی همراه شدیم او از فعالیت‌های پدر، مجاهدت‌های او در حل اختلافات قومی و قبیله‌ای، خدمات مردمی و فعالیت‌های فرهنگی‌اش در اتحاد بین شیعه و سنی و ولایت‌مداری‌اش بر اربابان روایت کرد. متن پیش رو حاصل این هم‌کلامی است.

اهل روستای نرون دامنه تفتان

ما اصالتاً اهل روستای نرون دامنه تفتان، روستایی واقع در حاشیه تفتان در نزدیکی خاش هستیم. آب و اجداد ما در همین مکان زندگی می‌کردند.

پدر زمانی که به شهادت رسید، ۷۶ سال داشت. ایشان روحانی و مدرس حوزه علمیه و امام جمعه مسجد امام حسین(ع) خاش بود. پدر در امور و شورای حل اختلاف هم حضور داشت. عضو دادگستری و عضو شورای حل اختلاف قومی و طایفه‌ای بود. پدر ۱۸ فرزند از دو همسرش دارد که اکثر فرزندان ایشان حافظ قرآن و روحانی اهل

نام مسجد امام حسین(ع) و یک بخشی در حوزه حفظ قرآن راه‌اندازی کرد که آن را هم به نام مبارک امام حسین(ع) نامگذاری کرد.

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخه‌های اخلاقی پدر این بود که دید وسیعی داشت. برای پدر فرقی نمی‌کرد، در شورای حل اختلاف به کمک چه کسی می‌رود پای حرف‌های چه کسی می‌نشیند وقتی از اهل تسنن به پدر مراجعه می‌کردند کارشان را پیگیری و سعی می‌کرد مشکل را بر طرف کند. همین خصوصیت و پیگیری وجدانه را نسبت به مراجعین شیعه داشت. او همه تلاش و همیت خود را معطوف به حل مشکل و خدمت‌رسانی به مردم می‌کرد. بدون هیچ چشم‌داشتی.

برادران شیعه برای حل مسائل گاه‌ها به پدر مراجعه می‌کردند و پدر برای حل گرفتاری‌شان صمیمانه با آنها برخورد می‌کرد. ما خیلی این خصلت پدر را دوست داشتیم.

پدر فراتر از قومیت‌ها و مذاهب می‌اندیشید. افکار بلندی داشت و به هر فردی با هر مذهب و مسلکی به ایشان مراجعه می‌کرد مسائل آنها را حل می‌کرد. خیر خواه مردم و انسانی صادق و ساده بود. بر این باور بود که خشونت به سود جامعه ما نیست. باید تلاش کرد که گفتمان و صلح جای خشونت و قتل را بگیرد.

اعتراضات سالم و قانونی

در روزهایی که کشور در گیر اغتشاشات بود و عده‌ای هم برای رسیدن به منافع خود به این آشوب‌ها دامن می‌زدند، بسیار نگران بود و مخالف این آشوب‌های خیابانی و اغتشاشات بود.

ایشان دوست داشت که حرف‌ها و مشکلات مردم به گوش مسئولان برسد. با توجه به عمر ۴۴ ساله نظام جمهوری اسلامی ایشان حامی اعتراضات سالم و قانونی بود که حق همه مردم این کشور است. همیشه می‌گفت باید حرف‌های مردم توسط مسئولان شنیده شود.

پدر با اغتشاشات و آتش زدن اموال عمومی و فتنه انگیزی‌ها و هتک حرمت‌ها که مورد توجه رسانه‌های معاند و دشمنان نظام جمهوری است، مخالف بود.

پایبندی ولایت و ارادتمند به حضرت آقا

پدر ارادت خاصی به رهبری داشتند ایشان پیرو ولایت بودند. در کلیبی که در روزهای قبل از شهادت‌شان منتشر شده بود، ایشان به صراحت به این موضوع اشاره می‌کنند و می‌گویند که ما امام خامنه‌ای را دوست داریم. ما این نظام را دوست داریم. ما پایبند اسلامی بودن نظام هستیم. نظامی که بر اساس اسلام آمده و شعارش اسلامی و رهبرش مسلمان است و خواست‌اش قطعاً اجرای قوانین شرعی و اسلامی است. ما خواستار این نظام هستیم.

زمانی که حضرت آقا به سیستم و بلوچستان تبعید شده بودند، پدر بارهبر دیدار داشت و این ارتباط و رفت و آمد بین‌شان وجود داشت.

روزمنده فرهنگی جنگ تحمیلی

اینکه چرا پدر در لیست ترور قرار گرفت را باید در فعالیت‌های ایشان جست‌وجو کرد، که خار چشم دشمنان و معاندان قرار گرفت و آنها این همراهی و این فعالیت‌های پدر را که در راستای ولایت‌مداری و اتحاد بین اهل تسنن و شیعه بود را نتافتند و پدر را در لیست ترور قرار دادند.

در یک جمله باید بگویم که پدر خیر خواه همه بود. او در رفتار و عمل مقابل کسانی ایستاده بود که خیر خواهی کشور و مصالح مملکت را نمی‌خواستند. پدر منادی وحدت بین جمیع ادیان و مذاهب بود. ایشان ملت را جدای حکمرانان نمی‌دید و بر دفاع از تمامیت ارضی ایران عزیز تأکید می‌کرد.

ما گواهی و شهادت می‌دهیم که پدر حاضر نبود حتی یک وجب از خاک این کشور را به خارج از کشور بدهد. برای همین در روزهای جنگ تحمیلی وارد میدان جهاد دیگر شد و در کنار دیگر برادران شیعه و سنی از باورها و اعتقادات خود دفاع کرد. ایشان ایرانی بود و ایرانی ماندن را ولایت خود می‌دانست. پدر از آن دست علمای مخلص و دینداری بود که حس وطن‌دوستی و وطن‌خواهی‌شان بسیار مورد توجه بود. خصلتی که دشمنان قسَم خورده را بر ترور و به شهادت رساندنش مُصر کرد.

همه برای آبادانی کشور

فعالیت‌های فرهنگی پدر در خصوص اتحاد شیعه و سنی زیاتر بود. ایشان به ما نصیحت می‌کرد و می‌گفت؛ مبارک امام حسین(ع) نامگذاری کرد



دیدار و گفت‌وگوی صمیمانه حجت‌الاسلام محمد جواد حاج علی اکبری با شهید مولوی عبدالواحد ریگی

ما همه اهل ایرانیم، یک خدا داریم و یک پیامبر و کتاب. این اختلاف نظر‌ها در میان فرقه‌های اهل تسنن هم دیده می‌شود. پس چرا اجازه بدهیم که اهل نفاق و دشمنان ما قصد برهم زدن اتحاد ما را داشته باشند و در راستای منفعت طلبی‌های دنیایی خود که به کام مستکبران است قدم بردارند.

می‌گفت، شیعه و سنی مسلمان است. ما همه ایرانی هستیم. همه ما برابر و برادر هستیم. مسا گریش و قومیت‌هایی زیادی در کشور داریم که همگی باید در کنار هم و با هم متحد باشیم.

در سیستم هم ادیان مختلفی هم وجود دارد و گاهی که برای آنها مشکلی پیش می‌آید، پدر برای حل مشکل‌شان حتی رخت سفر می‌بست و خودش را به مسئولان مربوطه می‌رساند تا بتواند گره از کار آنها باز کند و برای همین موضوع گاهی به تهران سفر می‌کرد. پدر بر این باور بود که درایت رهبری بسیار می‌تواند در حل مشکلاتی که اهل تسنن با آن درگیر هستند کمک کند. می‌گفت اهل تسنن دوست دارند در آبادانی و سازندگی کشورشان ایران سهیم باشند. آنها می‌خواهند مشکلات‌شان بر طرف بشود و نگاه‌های منفی از آنها برداشته شود. یکی از خواسته‌های پدر همین بود که مشکلات مردم‌اهل تسنن آن‌شاه‌اهل حل شود.

دفاع از وطن، دفاع از ناموس

پدر هرگز شیعه و سنی را از هم جدا نمی‌دید. همه این باورها پهلانه‌ای شد که پدر بارها تهدید شد. برای اینکه ما نگران شما نبودیم می‌گفت مگر مرگ دست چه کسی است؟! مرگ دست خداست! طبق فرموده خدا در قرآن، روزی که مرگ من برسد لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد و من از دنیا می‌روم.

آرزویش شهادت بود و می‌گفت کاش شهادت فی سبیل‌الله نصیب شود. کاش روزی بشود شما خبر شهادت مرا بشنوید. دوست ندارم روزی جنازه من را از خانه پیامبرستان، بیرون بیاورید. دوست دارم با شهادت از پیش شما بروم. اصلاً از هیچ کسی باکی نداشت و ما خدا را شکر می‌کنیم که ایشان به آرزویش رسید.

پدر همیشه دفاع از وطن را برای ما به معنای دفاع از ناموس معرفی می‌کرد و می‌گفت اهل سنت هر جا که کسی به وطن و کشورش ایران دست درازی کرده، مقابله‌ای ایستاده است.

سیستان و بلوچستان شهادی زیادی را تقدیم کرده است و این افتخار نصیب ما شده که جوان‌ترین شهید دوران مقدس شهید سبیل اخلاقی‌اش شهید اهل تسنن سیستان است.

برای ایران جان بر کف بود

ایشان آخرین شهید ما نخواهد بود. ما از جان و دل از ایران دفاع می‌کنیم. ایشان در دوران دفاع مقدس به جبهه رفت و وقتی در جبهه حضور داشت به دنبال اسم و رسم نبود. حتی بیکر جانبازی و پرونده‌اش هم نداشت. او دفاع از وطن را یکی از اولویت‌های حساس زندگی خود می‌دانست و این کار را بدون هیچ ادعایی انجام می‌داد.

از پدر می‌خواستیم کمی از احوالات روزهای جهادش در جبهه بگوئیم، می‌گفت هر کاری کرده‌ام برای صلحت کشور و اعتراض پرچم اسلام بوده است.

فعالیت‌های فرهنگی پدر در خصوص اتحاد شیعه و سنی زیاتر بود. ایشان به نصیحت می‌کرد و می‌گفت؛ ما همه اهل ایرانیم، یک خدا داریم و یک پیامبر و کتاب.

این اختلافات در فروعات بین شیعه و سنی است. حتی این اختلاف نظر‌ها در میان فرقه‌های اهل تسنن هم دیده می‌شود. پس چرا اجازه بدهیم که اهل نفاق و دشمنان ما قصد برهم زدن اتحاد ما را داشته باشند و در راستای منفعت طلبی‌های دنیایی خود که به کام مستکبران است قدم بردارند.



شهید مولوی عبدالواحد ریگی در زیارت خانه خدا

الگوی عملی ایشان در زندگی امام حسین(ع) بود. پدر شیفته مکتب امام حسین(ع) بود. ایشان شجاعت و شهادت امام را بسیار می‌ستود. همیشه به این فکر می‌کرد که امام حسین(ع) چطور ذلت را نپذیرفت و در راستای اعتدالی کلمه‌الله و در راستای احقاق حق و بالا بردن پرچم دین اسلام از همه آنچه در زندگی داشت و از تمامی تعلقات خاطر‌شان گذشتند و به شهادت رسیدند. او مسجدی که در آن فعالیت داشت را به نام مسجد امام حسین(ع) و یک بخشی در حوزه حفظ قرآن راه‌اندازی کرد که آن را هم به نام مبارک امام حسین(ع) نامگذاری کرد

اگر حالا هم برای کشور مشکلی پیش بیاید، اولین نفری راهی خواهیم بود که جانم را در کف دست می‌گیرد. ما از همین تواضع و از اینکه ایشان در این مسیر به دنبال شهرت و خودستایی و مطرح کردن خودشان نبودن بسیار تأثیر می‌گرفتیم.

همایش تحکیم وحدت و همدلی

طی سفر هیئت اعزامی از دفتر مقام معظم رهبری به سیستان و بلوچستان، در دیدار با محمدجواد علی اکبری مسئول هیئت اعزامی و رئیس شورای سیاستگذاری لثمه جمعه کشور، ضمن بیان نکاتی گفته بود بارها از سوی گروهک‌های تروریستی تهدید به مرگ شده اما بر مواضع خود استوار است.

مولوی عبدالواحد ریگی، امام جمعه اهل سنت مسجد امام حسین(ع) خاش، ۲۳ آبان ۱۴۰۱ در پایان همایش «تحکیم وحدت و همدلی» به حاج علی اکبری، رئیس هیئت سه نفره اعزام شده از سوی رهبر معظم انقلاب به سیستان و بلوچستان گفته بود: «من در دوران هشت سال دفاع مقدس در خط مقدم جبهه حضور داشتم و ما در طول انقلاب همواره در صحنه بودهایم، جمله در تمام دور، راه‌های انتخابات کشور و این افتخار ماست که کسی که از مرز خود دفاع نکند ناموس ندارد. شما هم سید از مسجد امام حسین(ع) که من پیش نماز آن هستم حتی یک نفر هم بعد از نماز جمعه به خیابان نیامد و در آشوب اخیر خاش حضور نداشت.

گفتم کسی حق ندارد از مسجد بیرون برود چون می‌دانستیم منافقین بیرون هستند و می‌دانیم چه کار می‌کنند. ما مطلع هستیم که منافقین و دشمنان نقشه‌ها و طراحی‌هایی دارند. ما غیر از اسلام، نظام اسلامی، ایران و اخوت با شیعه، حرفی نداریم. باید تاریخ را بخوانید تا متوجه شوید ما اهل سنت سیستان و بلوچستان با برادران شیعه چه ارتباطی نداریم. من حتی از جانب گروهک‌های معاند تهدید شده‌ام اما اینها تأثیری ندارد. ما شما برادران تشیع را به خاطر خدا دوست داریم و گرنه چیزی از شما ننگر قه‌هایم که بگویند این دوستی به خاطر دنیاست. ما این مملکت را دوست داریم، رهبری دوست ما هستند. این مملکت بعد از این نظام اسلامی به درد ما، به درد دین و اسلام و حتی به درد ناموس مسلمین نمی‌خورد.

برایش و شهادت

عبدالواحد ریگی در ۱۷ آذر سال ۱۴۰۱ به شهادت رسید. نحوه شهادت‌شان هم این طور بود که ایشان برای ادای نماز ظهر به مسجد امام حسین(ع) خاش می‌روند و بعد از نماز در خلال مراجعت مردمی که داشتند، یکی به محضر‌شان می‌رسد و می‌گوید؛ ما با شما کار داریم. به بیرون از مسجد بیایید تا صحبت‌های ما را بشنوید و مسئله ما را حل کنید.

خب پدر به آنها اعتماد کرد و از مسجد خارج شد و سوار خودرویشانی می‌شود که پلاک هم نداشت و ناگهان خودرو متواری می‌شود و پدر را می‌ربایند. بعد از اطلاع از این موضوع و پیگیری و اقدامات امنیتی یک روز بعد از ربودن‌شان بیکر ایشان در بیابان پیدا شد. متهمان بعد از ربابش ایشان را به شهادت می‌رسانند. جسد پدرم در حالی کشف شد که سه گلوله به او شلیک و گلوله‌ها از ناحیه سر خارج شده بود.

باید عزت و عفت زن حفظ شود

در پایان این را باید بگویم که پدر جامع صفات را داشت. از صفات بارز ایشان باید بگویم که دفعه‌ها نادانی ایران را داشت و برایش ایران و ایرانی مهم بود. ایران را در قله‌های پیشرفت و ترقی می‌خواست.

دوست داشت که ایران در درجه بالا باشد. به فکر ایران بود و از خدا می‌خواست که ایران نظام اسلامی باشد.

در مورد زن هم بر این اعتقاد بود که باید عزت و عفت زن حفظ شود. کرامات و عزت او در بی‌حجابی نیست بلکه باید شرافت و حرمت زن حفظ شود. همه اینها که حفظ شود زن حجاب را رعایت می‌کند. می‌گفت باید یابی حرف‌هایشان نشست و مشکلات حل شود. نگاه خشونت آمیز و برخورد‌های تند بر خلاف‌شان و بر خلاف رأفت نظام اسلامی است و پدر این را نمی‌پسندید و قبول نمی‌کرد. از خداوند می‌خواستیم همانطور که پدر را در رسیدن به آرزویش کمک کرد، ما را هم همراهی کند و شهادت فی سبیل‌الله را هم نصیب ما کند و امیدواریم که عاقبت بخیری نصیب ما شود. شفاعت شهدا هم به ما برسد.

| | | | | |
|---|---|---|---|--|
| ۱ | ۶ | ۵ | | |
| | ۷ | ۱ | ۹ | |
| ۸ | ۷ | ۳ | | |
| | | ۸ | ۵ | |
| | ۴ | ۶ | | |
| ۶ | ۷ | ۳ | | |
| | ۹ | ۲ | | |
| | ۳ | ۱ | | |

| | | | | | | | |
|---|---|----|----|----|----|----|----|
| ۳ | ۷ | ۱ | ۶ | ۵ | ۴ | ۲ | ۱ |
| ۷ | ۶ | ۳ | ۱ | ۵ | ۲ | ۴ | ۳ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ |
| ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ |
| ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |
| ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ |
| ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
| ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ |
| ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ |
| ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۹۱۵

جدول سودوکو

ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۹۱۴

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|---|---|---|----|----|----|----|----|----|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |

از راست به چپ

- ۱- پایتخت بهشت اختلاسگران ایرانی - فاتحه‌الکتاب - جایزه سینمایی ■ ۲- نوعی پرنده - دندنان ناپایداری - تیمی قدرتمند در فوتبال اسپانیا ■ ۳- پاسبان - کشور براتیسلاوا - سیخونک ■ ۴- شراب- عدول- سرپیچی - هدیه چهره کشایی عروس ■ ۵- نوعی زغال سنگ - خانه ساحلی - راهنمایی ■ ۶- نیشتر زرگنی - سگ عربی - عاشقی شیوه - بلاکش باشد ■ ۷- خارپشت بزرگ - مسلک حزبی - خدای زمین ■ ۸- هزار کیلو - پیاده در شطرنج - اخگر - ضمیر شیطانی ■ ۹- نام قدیم سوریه - اطلاعات رایانه - گیاهی دارویی با گل‌های زرد و قرمز ■ ۱۰- نوعی نقاشی - شیشه آزمایشگاه - خدای هندو ■ ۱۱- یاد کرده - مصون - بهت و حیرت ■ ۱۲- خدانشناسی - نوبت پاسبانی - سرسلسله اعداد ■ ۱۳- تصدیق انگلیسی - معرکاش معروف است - جان پناه رزمند ■ ۱۴- مهاجم پیشین منچستر یونایتد و تیم ملی انگلیس - عدد رمزی - چین و شکن ■ ۱۵- ضد- زمینی- ورزش خشکی و آب- پهلوان

از بالا به پایین

- ۱- ایالتی در هند - شوه‌خواری - باجه بلیت فروشی ■ ۲- قومی فارسی زبان - میبانی وارونه - درختی همیشه سبز ■ ۳- آرام نشده - شیرینی کرمانشاه - علفزار - حرف انتخاب ■ ۴- یادداشت - خو و عادت - درخشان ■ ۵- خاندان - کسوف ■ ۶- مخلوط عامیانه - گوسفند قربانی که به مکه برند - چکاندن اسلحه ■ ۷- نخ بخیه - آدمکشی - قبر کن ■ ۸- صندلی راحتی - از حروف مقطعه قرآنی - صد و یازده - خجستگی ■ ۹- قاضی ورزشی - قلعه - طلق نسوز ■ ۱۰- تاله و زاری - نظارت - کافر ■ ۱۱- ویران کننده تخت جمشید - خرس آسمانی ■ ۱۲- پیامبری که زبان حیوانات می‌دانست - دودکش آشپزخانه - ذات و شخص ■ ۱۳- تکرارش آوای فاخته است - نظر و عقیده - پسوند آلودگی - جد ■ ۱۴- از نام‌های انسان در قرآن - نرده چوبی یا فلزی - تعقیب قانونی ■ ۱۵- رشته کوهی در امریکای شمالی - شهری در فرانسه - تانک ایرانی